

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲ آبان ۱۳۹۵  
مصادف با: ۱۲ صفر ۱۴۳۸  
جلسه: ۱۱

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد  
موضوع جزئی: چند نکته در مورد رحمن و رحیم

﴿الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين﴾

**نکته اول: نظر امام (ره) در مورد ذاتی یا فعلی بودن رحمن و رحیم**

در بحث از اینکه رحمن و رحیم صفت ذات هستند یا صفت فعل مطالبی را عرض کردیم، امام (ره) نظری در این رابطه دارند که ذکر آن خالی از لطف نیست. امام می‌فرماید در یک صورت رحمن و رحیم از صفات ذاتیه هستند و در یک صورت از صفات فعل، یعنی اگر مراد از اسم، اسم ذاتی و تجلی به مقام جمعی باشد، رحمانیت و رحیمیت از صفات ذاتیه است، که در تجلیات به مقام واحدیت برای حضرت اسم الله ثابت است و رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه فعلیه از مظاهر آن است و اگر مراد از اسم تجلی جمعی فعلی باشد که مقام مشیت است، آنگاه رحمانیت و رحیمیت از صفات فعل است.<sup>۱</sup>

منظور ایشان این است که یکوقت می‌گوییم: «بسم الله» و مقصود از اسم همان ذات و اسم ذاتی است که به مقام جمعی تجلی پیدا کرده است، آنوقت اینها از صفات ذاتیه می‌شوند، یعنی رحمانیت و رحیمیت به خود ذات مربوط می‌شوند و این از ذات انتزاع شده و لذا صفات ذات می‌شوند، ولی همین رحمانیت و رحیمیت اگر به مقام مشیت الهی مربوط باشند صفات فعل می‌شوند، چون بستگی به این دارد که ما اسم را چگونه معنا کنیم، اسم را به عنوان تجلی ذات ببینیم یا تجلی فعل، اگر اسم تجلی ذات باشد، رحمن و رحیم صفات ذات می‌شوند، اگر اسم تجلی فعل باشد، رحمن و رحیم از صفات فعلیه هستند، این نظری متفاوت با نظری است که ما عرض کردیم، به هر حال مبتنی بر یک ذوق عرفانی است و به همین جهت به آن اشاره شد.

**نکته دوم: نظر ابن عربی درباره وحدت اسم رحمن و رحیم**

نکته دیگری که لازم است اشاره شود این است که، تا اینجا هرچه در مورد رحمن و رحیم گفتیم بر این اساس بود که اینها دو اسم باشند، رحمن یک اسم باشد و رحیم یک اسم دیگر، و البته منشأ هر دو رحمت است لذا تعبیر می‌شود به رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه، اما بعضی از اهل معرفت مجموع این دو را یک اسم می‌دانند نه دو اسمی که با «واو»

<sup>۱</sup> . تفسیر سوره حمد، ص ۲۲.

به هم عطف شده‌اند، ابن عربی می‌گوید: مجموع رحمن و رحیم یک اسم محسوب می‌شوند مثل بعضی از اسمایی که ظاهرشان دو چیز است ولی باهم شدند اسم برای یک ذات، ایشان می‌فرمایند: اساساً مجالی برای این تفکیک نیست، چون پرورش نظام هستی امکانی بر تلیق این دو یعنی رحمت عام و رحمت خاص است، لذا رحمن و رحیم در واقع یک اسم است.

### نکته سوم: رحمن و رحیم صفت اسم یا الله؟

رحمن و رحیم صفت برای اسم هستند یا برای الله؟ به حسب ظاهر وقتی می‌گوییم «بسم الله الرحمن الرحيم» معروف و مشهور و تلقی همه ما این است که صفت برای «الله» است، ترجمه‌هایی هایی هم که می‌شود می‌گویند: به اسم خدایی که رحمن است و رحیم»، اما امام(ره) در اینجا دو احتمال داده‌اند، می‌گویند: احتمال دارد رحمن و رحیم صفت برای اسم باشند، همان‌طور که احتمال دارد صفت برای الله باشند، هرچند ایشان قرار دادن این دو را به عنوان صفت برای اسم اولی می‌داند از صفت برای الله و معنایش این است، «باسم الله الرحمن الرحيم»، به اسم خدایی که این اسم، این چنین صفت را دارد که رحمن است و این چنین صفت را دارد که رحیم است اما به نظر ایشان اگر صفت برای الله هم باشند توجیه دارد، غلط نیست، فقط یک محذوری پیش می‌آید که آن هم تکرار است و البته «فی التکرار بلاغة»، این تکرار خودش یک بلاغت است، اما به نظر ایشان اولی آن است که ما رحمن و رحیم را وصف برای اسم قرار دهیم، اگر وصف برای الله قرار دهیم معنای آن روشن است، یعنی ذاتی که مستجمع جمیع صفات کمال است این خصوصیات نیز در او هست، منتهی تکرار این‌گونه پیش می‌آید، که وقتی می‌گوییم «الله» این اسم برای ذاتی است که مستجمع جمیع صفات کمال و جمال و جلال است، و لذا مشتمل بر رحمت هم هست، چه رحمت رحمانیه و چه رحمت رحیمیه، و این یک نوع تکرار است، چون وقتی الله می‌گوییم، همه این ویژگیها در آن ذات وجود دارد و وقتی این را به عنوان صفت برای الله قرار می‌دهیم. الله همه این معانی را در بر دارد، لکن از میان آنها یکی که مهم‌ترین و عام‌ترین است یعنی رحمت رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه، برجسته شده است. پس این که ایشان فرموده این مسئله توجیه دارد به این معناست که بگوییم: «ذکر خاص بعد العام» است و لذا یک لطافت و یک تاکید خاصی می‌تواند روی این جهت باشد.

اما بهتر آن است که این را صفت برای اسم بدانیم. چون در این صورت خود اسم به تنهایی می‌تواند متصف به صفت رحمانیت و رحمیت باشد و می‌تواند نباشد، آن وقت با آوردن الرحمن و الرحيم متصف می‌کند اسم را به این دو صفت، که لولا این دو صفت، خود اسم به تنهایی این اتصاف از آن فهمیده نمی‌شود، پس اگر صفت اسم گرفتیم، «باسم الله، الرحمن و الرحيم» با ملاحظه‌ی این نکته که اسم به چه معنا می‌باشد، قابل تفسیر است ولی اسم را به معنای نام یا اسم

لفظی نگیرید، چون اگر بخواهیم اسم را به معنای اسم لفظی که حاکی از یک ذات است بگیریم، اِتصاف «اسم الله» به رحمانیت و رحیمیت محصلی ندارد، پس اسم از مقوله الفاظ نیست، بلکه اسمی که می‌خواهیم آن را موصوف الرحمن و الرحیم قرار دهیم همان اسماء عینیه است، اسماء عینیه یعنی وجودات امکانی که همه اینها مصداق رحمت رحمانیه و رحیمیه خداوند هستند، یعنی همان چیزی که این الفاظ از آنها حکایت می‌کنند، آن حقایق و موجودات و اعیانی که در این عالم هستند، اینها در واقع جلوه‌ی خدا هستند، اصلاً رحمت خدا یعنی عالم وجود، رحمت رحمانیه خدا یعنی همه عالم هستی و همه موجودات این عالم.

علی ای حال به نظر ایشان الرحمن و الرحیم صفت برای اسم هستند و این اولی از این است که اینها را صفت برای الله قرار دهیم.<sup>۱</sup>

### **نکته چهارم: تطابق ظاهر و باطن در بسم الله الرحمن الرحیم**

این که تأکید شده که کارها و سخنانتان را با بسم الله شروع کنید، خداوند در واقع در اینجا یک تطابقی بین شروع هستی و شروع هر قول و فعلی ایجاد کند.

توضیح مطلب اینکه بطور کلی اساس خلقت، اساس تجلی خداوند، ظهور خداوند با این مظاهر هستی، این در مراتب مختلف تحقق پیدا کرده است، تجلی اول، الله است که یک ذات مستجمع جمیع صفات کمالی است و هیچ نقضی در او راه ندارد، همه‌ی این عالم یک زمانی نبودند، هرچه بود، ذات بود، دومین تجلی خدا، تجلی به مقام رحمانیت بوده است، بعد از آن تجلی به مقام رحیمیت، و بعد از آن تجلی به مقام مشیت است، یعنی خداوند یکوقت در مرحله ذات بود، به تعبیر حدیث قدسی: «كُنْتُ كُنْزًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِأُعْرَفَ»، من یک گوهر مخفی بودم و دوست داشتم شناخته شوم، لذا خلق کردم، خلق همان تجلی خداوند است، اولین تجلی خداوند همان اسم اعظم الله است، ذات مستجمع جمیع صفات کمال، بعد تجلی کرد به آن مقام رحمانیت یعنی اصل وجود و بسط عالم وجود با این شروع شد، همه هستی، همه عالم وجود، همه ماسوی الله تجلی همین مقام رحمانیت خداست، تنظیم تشریح، هدایت و راهنمایی بشر و...، این تجلیات به این ترتیب در عالم تحقق پیدا کرد، می‌فرماید: چون اولین تجلی خدا این چنین بوده و اساس خلقت به این ترتیب متجلی شده است، آنوقت خداوند متعال می‌خواهد در شروع هر کاری و هر قولی و هر فعلی به همین ترتیب ما عمل کنیم، لذا دستور می‌دهد بگویید: «بسم الله الرحمن الرحیم»، یعنی صورت لفظیه و کتبییه برای شروع

<sup>۱</sup> . تفسیر سوره‌ی حمد، ص ۲۲.

اعمالتان هم باید به همین صورت باشد، همانطوری که خدا به این تجلیات تجلی کرد و باطن هستی بر همین منوال است شما هم کارها و اقوال و سخنانتان را با همین ترتیب بیان کنید، می‌خواهید یک کاری را شروع کنید، همانطوری که خدا تجلی کرد شما هم کارتان را شروع کنید، یعنی آن لفظی که می‌خواهید بکار ببرید لفظی بگویید که مبین این تجلیات باشد، بگوییم «بسم الله» چون اسم الله، اولین تجلی خدا است، بگوییم «الرحمن» چون تجلی خدا بعد از اسم الله، به رحمانیت بود، بگویید «الرحیم» چون تجلی به مقام رحیمیت بعد از تجلی به مقام رحمانیت بود، همانطوری که خدا در عالم هستی تجلی پیدا کرد با این ترتیب و مقاماتی که گفتیم، در ابتدای کارهایتان هم خدا را به این ترتیب بیان کنید، چه آنجا که می‌خواهید به زبان جاری کنید و چه آنجایی که می‌خواهید بنویسید، و اگر این چنین شود، این کار مطابق با نظام الهی و ربانی می‌شود، آنوقت آن اثری که برای بسم الله گفته‌اند، از جمله اینکه هر کاری بدون بسم الله آغاز شود و هر قولی بدون بسم الله باشد ابتر است به این دلیل است که بر اساس نظام الهی و ربانی نیست، اگر می‌خواهید کارهایتان برکت پیدا کند، از کوچک‌ترین کار تا بزرگ‌ترین کار، هر حرکتی هر فعلی هر عملی هر سخنی با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز شود، آن هم با این دید که این کار و سخن شما با دیدگاهی شروع می‌شود که مطابق نظام الهی و ربانی است، قول شما مطابق با همان نظام الهی و ربانی است، آنوقت وقتی این اتصال بین قول قائل و فعل فاعل با متن این نظام هستی ایجاد شود، طبیعتاً یک برکت و معنویت خاصی پیدا می‌کند و نتیجه می‌دهد و ابتر نخواهد بود، یعنی همانطوری که باطن این نظام بسوی غایتی در حال حرکت است، آنوقت حرکت افعال و اقوال ما بسوی غایتی خواهد بود و نتیجه می‌دهد.<sup>۱</sup>

تا به اینجا تقریباً درباره مفردات این آیه هرچه لازم بود گفتیم حال باید معنای کلی بسم الله را بعد از دانستن این مفردات بیان کنیم و سپس اشاره به بعضی از روایات و احکام فقهی بسم الله الرحمن الرحیم داشته باشیم و ان شاء الله به سراغ آیه بعد برویم.

«والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup> . تفسیر سوره حمد، ص ۲۲ و ۲۳